

توانمندسازی جوامع محلی و مدیریت مشارکتی منابع آب

ابوذر حاتمی یزد (مدیر شرکت مهندسی مشاور گزین سازه توس)
اسما روانخواه (کارشناس اجتماعی شرکت مهندسی مشاور گزین سازه توس)

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶

شماره مسلسل: ۱۱۰۰۳۱۱

شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳

مقدمه

در سال‌های اخیر بحران غیرقابل‌کتمان کمبود منابع آب در کشور، همراه با پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مدیران و برنامه‌ریزان را بر آن داشته است تا با نگاهی ویژه و تأکید بر مدیریت یکپارچه منابع آب، دستورالعمل‌های پانزده‌گانه برنامه‌های حفظ و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی را تدوین نمایند. یکی از ویژگی‌های بارز این طرح‌ها، تأکید بر مباحث اجتماعی بخش آب است.

توجه به آموزش، فرهنگ‌سازی، توانمندسازی تشکلهای غیردولتی در بخش کشاورزی و توانمندسازی جوامع محلی از جمله مواردی است که در قالب دو دستورالعمل اول و دوم به آن پرداخته شده. اما در میدان عمل و به هنگام اجرا و پیاده‌سازی طرح‌هایی مانند «توانمندسازی جوامع محلی» با یک سؤال اساسی مواجه می‌شویم: توانمندسازی به چه معناست؟ یک جامعه توانمند دارای چه ویژگی‌هایی است و عملکرد آن در حوزه‌های گوناگون چگونه است؟

بسیاری از عوامل اجرایی و حتی متولیان بخش آب در خصوص مختصات این مفهوم آگاهی لازم را ندارند. واژه‌هایی نظیر تقویت مشارکت اجتماعی و مدیریت مشارکتی منابع آب و توانمندسازی جوامع محلی بیش از آنکه مفاهیم کاربردی با مصادیق عینی باشد، به لفاظی‌های دل‌چسب مدیران و برنامه‌ریزان تبدیل شده است.

بدیهی است که تعریف دقیق و عملیاتی این مفاهیم، برای تحقق اهداف موردنظر دارای اهمیت است. این در حالی است که

در تدوین این طرح‌ها به ذکر گزاره‌های کلی و نظری اکتفا شده است، آن‌چنان‌که هر بخش تعبیر خود را جهت تعریف مفاهیم فوق‌بکار می‌برد و مسیر خود را جهت دستیابی طی می‌کند، حال آنکه ممکن است تعبیر و تفسیرهای متعدد از این مفاهیم، دارای خطا و به‌دوراز ویژگی‌های اصلی و نهفته در آن‌ها باشد.

اما برای پیاده‌سازی صحیح برنامه‌های فوق، ترسیم مصادیق عینی و توجه به گزاره‌های موردتوافق همه گروه‌های درگیر، لازم و ضروری است. همان‌گونه که ذکر آن رفت یکی از این مفاهیم که نیازمند ارائه تعریف دقیق و نظام‌مند است «توانمندسازی» است، امری که برای تعریف آن و در خصوص مدیریت منابع آب، تنها به تغییر الگوی کشت کشاورزان و یا افزایش بهره‌وری آب در مصارف کشاورزی اکتفا می‌شود.

هسته مرکزی مفهوم توانمندسازی بر کسب توانایی انتخاب اشاره می‌کند، مفهومی وسیع که در ابعاد متفاوت و از مناظر گوناگون می‌توان به آن پرداخت. در این نوشتار به برخی از ابعاد مغفول مانده توانمندسازی در جوامع محلی با تأکید بر مدیریت منابع آب اشاره خواهیم داشت. لازم به ذکر است موارد مورد اشاره، پس از مطالعات میدانی و در تعامل با کنشگران بخش آب تدوین و تنظیم شده است.

ابعاد و ویژگی‌های قابل‌مشاهده توانمندی

همان‌گونه که ذکر شد هسته مرکزی و قابل‌توجه در تعریف این مفهوم «کسب توانایی انتخاب» است. در این وضعیت کنشگر از حالت منفعل، تبدیل به کنشگری فعال می‌شود که می‌تواند تصمیم‌گیرنده باشد و بر اساس آگاهی دست به انتخاب زند و به اهداف خود دست یابد. قدم اول در راه ورود افراد به این فرایند، کسب آگاهی است. ما نمی‌توانیم برای افراد برنامه‌ای خاص تدوین کنیم و از آن‌ها بخواهیم نسبت به برنامه ما واکنش مثبت نشان دهند، زیرا در این وضعیت این ما بوده‌ایم که تصمیم‌گیر بوده‌ایم و نه آن‌ها. بنابراین شیوه مدیریت از بالا به پایین و حتی برنامه‌ریزی از بالا به پایین با ایده توانمندسازی در تضاد است.

اما توانمندسازی خود دارای ابعاد متفاوت است که در بحث مدیریت منابع آب و توجه به جامعه محلی و بهره‌برداران بخش آب می‌تواند به انواع مختلف تقسیم شود.

توانمندی اجتماعی

توانمندی اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که کنشگر دارای روابط اجتماعی قابل‌قبول باشد، در تشکلهای مردمی، محلی و اجتماعی حضور داشته باشد و در سطوح مختلف

گروه شده است.

در چنین شرایطی انتظار برای تحقق مشارکت در خصوص مدیریت منابع آب دور از دسترس خواهد بود. برگزاری جلسات مشترک میان بهره‌برداران و متولیان بخش آب، شناسایی تنش‌های موجود مابین دو گروه، تلاش برای رسیدن به توافقات دوجانبه، تشریح دقیق مسئولیت‌های هر کدام از طرفین به‌دوراز موازی‌کاری‌های معمول، تقویت احترام و اعتماد متقابل و دستیابی به جایگاهی که در آن بتوان از منظرهای گوناگون در خصوص مدیریت منابع آب گفتگو کرد و به نتیجه رسید، توانمندی مدیریت تعارض در میان جوامع محلی را محقق خواهد کرد.

سخن آخر اینکه تکیه بر برخی مفاهیم اجتماعی، به‌تنهایی، نمی‌تواند اهمیت پرداختن به مباحث اجتماعی در مدیریت آب را محقق سازد. این امر نیازمند نگاهی کارشناسی همراه با مطالعه و پژوهش است. رسیدن به مصادیق عینی و چارچوب مشخص در راه تحقق توانمندسازی جوامع محلی، مدیریت مشارکتی منابع آب و یا تقویت سرمایه اجتماعی بهره‌برداران، با سخنان انتزاعی محقق نمی‌شود. انجام مطالعات میدانی، توسط افراد متخصص پیش از تدوین طرح‌هایی از این دست از یک‌سو، و ترسیم دقیق و عملیاتی هر کدام از مفاهیم عینی و اجتماعی نظیر مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی برای گنجاندن در طرح‌های مصوب از سوی دیگر، می‌تواند به تحقق اهداف موردنظر کمک شایان توجهی کند.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.

اجتماعی فعالیت‌هایی را انجام دهد مانند حضور در انجمن‌های صنفی، یا تشکل آب‌بران و یا اتحادیه کشاورزان. باید سعی بر آن باشد تا کنشگران موردنظر، خود تصمیم به حضور در تشکل‌های اجتماعی مربوط به آب داشته باشند و شبکه روابط خود را ارتقا دهند. ارتقای شبکه روابط، منجر به دستیابی به فرصت‌های اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی خواهد شد. انتقال اطلاعات، تقویت اهداف مشترک، افزایش آگاهی و تلاش همگانی برای رسیدن به اهداف مشترک از جمله مواردی است که با تحقق توانمندی اجتماعی می‌توان به آن دست یافت.

توانمندی اقتصادی

توانمندی اقتصادی به معنی داشتن منابع مالی و اقتصادی، و کسب درآمد است. عدم کاهش درآمد و یا کسب سود، همراه با کاهش برداشت از منابع آب از اصول مهم این بعد از توانمندی است. اگر کنشگران و ذی‌نفعان بخش کشاورزی نسبت به راه‌های افزایش بهره‌وری از منابع آب و یا کشت‌های سود ده آگاهی یابند، تمایل و همراهی‌شان برای مشارکت در منابع آب با مقاومت کمتری همراه خواهد بود.

توانمندی سیاسی

توانمندی سیاسی به معنی آگاهی و قدرت اعمال‌نظر در قانون‌گذاری و همچنین برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان است. کنشگر در صورت کسب آگاهی و احساس نیاز به ایجاد تغییر در سطح قانون‌گذاری، و در صورت ورود به فرایند توانمندسازی سیاسی، می‌تواند در جهت نظارت بر عملکرد دولت، تعامل با دولت و همکاری با دولت در جلوگیری از تخلفات فعالیت کند. همچنین با تکیه بر نفوذ و قدرت کسب‌شده توسط حضور در تشکل‌های غیردولتی، برای احقاق حقوق خود از یک‌سو و نگهداری و محافظت از منابع آب از سوی دیگر تلاش کند. حضور در سطوح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در ارتباط با منابع آب از مهم‌ترین پیامدهای توانمندی سیاسی خواهد بود.

توانمندی مدیریت تعارض

شاید یکی از مهم‌ترین ابعادی که برای ایجاد مدیریت مشارکتی منابع آب لازم و ضروری است، رسیدن به توافق در میان همه گروه‌های درگیر با مسئله است. عدم توافق و افزایش تنش، امری که از آن به‌عنوان تعارض یاد می‌شود، در میان کشاورزان و بهره‌برداران آب از یک‌سو و مدیران و برنامه‌ریزان از سوی دیگر منجر به بروز شکاف‌های عمیق و پیچیده میان این دو